

بررسی تطبیقی حضرت عیسی مسیح از دیدگاه قرآن و کتب مقدس انجیل و تورات

رودابه رضائی^۱

زهرا رضائی^۲

دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱۰/۲۵

پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

چکیده

این مقاله با هدف بررسی تطبیقی حضرت عیسی مسیح علیه السلام از دیدگاه تورات و انجیل و قرآن به روش تحلیلی-توصیفی می باشد. تورات و انجیل و قرآن کریم از کتب آسمانی است که از بین آنها فقط قرآن مصون از تحریف و تغییر مانده است. با بررسی مطالب آنها مشخص می شود که موضوع هایی در این سه کتب بحث شده ولی در آن اختلاف وجود دارد. مسئله عیسی مسیح و تولد و پیامبری او از مواردی است که در این سه کتاب بحث شده است و در موضوع عیسی مسیح و شؤن زندگی فردی و پیامبری او بین این سه کتب اختلاف نظری وجود دارد. با بررسی نظر تورات و انجیل و قرآن در مورد حضرت مسیح و زندگی ایشان پی می بریم که در تورات و انجیل اجداد مختلفی را برای عیسی مسیح قائل شدند و در مورد نسب هم توافقی وجود ندارد و حتی نسب ایشان را در مواردی منتهی به افرادی که ولد الزنا هستند می دانند و در مورد پدر حضرت نیز توافقی ندارند و چند پدر برای ایشان نام می و در مورد رحلت آن حضرت عقیده به مصلوب شدن ایشان با وضع نامناسبی دارند که در شأن پیامبر الهی نمی باشد و با بررسی این نظریات انحرافات در دو کتاب تورات و انجیل محرز می شود و همچنین دو کتاب تورات و انجیل عقاید نادرستی نسبت به مسیح دارند و کارهای ناشایستی به ایشان نسبت می دهند که خداوند در قرآن با آیات الهی تمامی این نظریات را رد کرده و به مقام والای آن حضرت اشاره می کند. بنابراین با تحقیق و بررسی دو کتاب تورات و انجیل در مورد عیسی مسیح و زندگی ایشان می توان موارد بی شماری از تحریف را مشاهده کرد و با بررسی آیات قرآن در مقایسه با نظریات تورات و انجیل حقانیت قرآن هر چه بیشتر برای ما ثابت شده و عقاید باطل و خرافی و ساختگی در تورات و انجیل هر چه بیشتر نمایان می شود.

واژگان کلیدی: مسیح، مصلوب، تثلیث، رحلت، اجداد، نسب

۱- مقدمه

در کتب آسمانی در مورد حضرت مسیح علی نبینا و آله و علیه السلام و زندگی فردی ایشان اشاراتی شده است. تورات، کتاب موسی است که گاهی اسفار پنج گانه نامیده می شود، مقدس ترین کتاب یهودیان است و شامل سفر پیدایش، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعداد، سفر تثبیه است. و چهار کتاب آغازین عهد جدید انجیل خوانده می شود که شامل لوقا، متی، مرقس و یوحنا می شود. هر یک از این اناجیل در اصل ایمان به مسیح برخاسته از مردگان را اعلام می کند و معنی و مفهوم زندگی عیسی مسیح را برای مسیحیان توضیح می دهند. انجیل و تورات از کتاب های مقدسی است که محکوم به تحریفند ولی در آنها اشاراتی به شخصیت و زندگی عیسی مسیح شده است، از طرفی می دانیم که قرآن یگانه کتاب آسمانی مصون از تغییر و تحریف است و آشکار است که هر نوشته ای که مخالف با قرآن باشد محکوم به بطلان است و تعدادی از آیات قرآن مختص به حضرت عیسی است که مخالف با آیات تورات و انجیل می باشد و ما در صدد هستیم تادیدگاه تورات و انجیل در مورد حضرت مسیح را به واسطه دیدگاه قرآن نقد و بررسی کنیم.

نزدنامه قرآن و حدیث

در فصلنامه علمی- تخصصی

دوره اول
شماره اول
پاییز و زمستان

۱۳۸

این مقاله درباره شؤن و ویژگی های فردی زندگی حضرت عیسی در تورات و انجیل و قرآن می باشد. که به نسب حضرت عیسی اشاره شده، همچنین نظر انجیل در مورد اسامی افرادی که به عنوان پدر برای عیسی مسیح معرفی شده بودند پرداخته می شود، که با توجه به نظر قرآن پدر داشتن عیسی مسیح و در ادامه به پیامبری و تبلیغ حضرت عیسی در تورات و انجیل و قرآن می باشد و همینطور در مورد عقاید نادرست نسبت به عیسی مسیح در تورات و انجیل میباید که ابتدا به کارهای ناشایستی که در اناجیل به حضرت مسیح نسبت داده شده پرداخته و سپس به وسیله آیات قرآن مورد تحلیل و بررسی قرار می گیرد. همچنین نسبت های نادرستی که در مورد عیسی مسیح از جمله تثلیث، الوهیت عیسی و فرزند خدا بودن و جدایی دین از سیاست استاز دیدگاه اناجیل مورد بررسی قرار می گیرد و به واسطه آیات قرآن ابطال می شود.

۲- نسب عیسی مسیح علیه السلام در تورات و انجیل و قرآن کریم

۲-۱- اجداد عیسی مسیح علیه السلام

در تورات نسب عیسی مسیح این چنین آمده است: زمانی که وقت وفات حضرت یعقوب علیه و آله رسید، اولاد خود را طلبیده و به ایشان اعلام کرد که هر یک از ایشان در آینده به چه خواهند رسید، از آن جمله در شأن یهودا این عبارت را فرموده اند که: «سلطنت از یهودا و بزرگی از فرزندان او دور نشود تا اینکه شیلو بیاید و قوم ایشان با او جمع شوند.»^۱

۱- تورات، سفر پیدایش، باب ۹۴.

=شیلو در این جا به اتفاق علماء یهود اسم مسیح علیه السلام است^۱. پس بنابراین دو نفر از اجداد عیسی مسیح علیه السلام طبق تورات، یعقوب علیه السلام و یهودا می باشند. همچنین در تورات از «مؤاب»، «بن عمی» و «فارص» به عنوان اجداد عیسی مسیح نامبرده شده و به صراحت آمده است که: «یهودا با عروس خود تامار زنا کرد و از وی دو فرزند برایش متولد شد که دو قلو بودند که یکی از آنها فارص و دیگری زرح نام داشت. ^۲»، «بن عمی و رحبعام بن سلیمان از اجداد عیسی مسیح است. ^۳»، «مؤاب و بن عمی دو فرزند لوط می باشند، که از دو دخترش که در حال مستی با آنان زنا کرد متولد گردید، و این دو فرزند، مؤاب و بن عمی سر سلسله ی مؤایان و عمونیان شدند. ^۴» پس نسب عیسی مسیح، منتهی به دو جده ی مؤایبه و بن عمیه که ولد زنا هستند؛ می رسد.

اما در اناجیل در مورد نسب مسیح علیه السلام به این صورت است که در انجیل مرقس از اصل و نسب عیسی مسیح چیزی نوشته نشده، در حالی که انجیل متی با شجره نامه کامل عیسی مسیح، آغاز می شود.

بنا به گفته ی متی نیاکان عیسی مسیح به هیچ وجه آدمهای معمولی نبودند، انجیل متی بیست و هشت نسل به عقب بر می گردد و تبار عیسی مسیح را به داود، نامدارترین پادشاه تاریخ یهود، و چهارده نسل بیشتر به ابراهیم، سه طایفه ی همه ی یهودیان می رساند. ^۵

از دیگر اختلافات موجود در متی و لوقا این است که در انجیل متی گفته شده «عیسی پسر یوسف بن یعقوب است.» و در انجیل لوقا آمده است که «یوسف پسر هالی است» در انجیل متی آمده: «سألثیئیل را یکینا آورد» و در انجیل لوقا آمده که: «سألثیئیل پسر نیری است»^۶

پس با توجه به آنچه تا کنون گفته شد، آیا می توان احتمال داد که کتب مقدس تورات و انجیل کنونی از جانب خدا باشد؟!.....

پس از بیان تناقضات مطالب تورات و انجیل، عدم صحت این مطالب لازم است به بیان دیدگاه قرآن بپردازیم. در قرآن عیسی مسیح از طریق نسب نامه مادریش در خط نوح، ابراهیم، و پدر مریم که در قرآن عمران نامیده می شود، قرار گرفته است. چنانکه خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ»^۷، «به حقیقت خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برگزید.»

۱- حاج بابا قزوینی یزدی، محضر الشهود فی رد الیهود، ص ۸۳.

۲- تورات، سفر پیدایش، فصل ۸۳، آیات ۳-۶.

۳- همان، باب ۴۱، جمله ۱۲.

۴- تکوین تورات، فصل ۹۱، آیات ۸۳-۱۰۳.

۵- کارنتر هامفری، کتاب عیسی، ترجمه حسن کامشاد، ص ۱۲.

۶- همان

۷- سوره آل عمران، آیه ۳۳ -

«ذُرِّيَّةَ بَعْضِهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»^۱ «فرزندانی هستند برخی از نسل برخی دیگر و خداوند به اقوال و احوال همه شنوا و داناست»

بدین ترتیب عیسی مسیح علیه السلام به وسیله مادرش مریم و عمران پدر مریم از نسل نوح و ابراهیم می باشد .

با توجه به مباحث در اناجیل از اصل و نسب حضرت عیسی (ع) چیزی ننوخته اند و در تورات او را از نسل حضرت یعقوب می دانند اما قرآن کریم او را به واسطه مادرش مریم و عمران پدر مریم از نسل نوح و ابراهیم می داند.

۲-۲- پدر عیسی مسیح علیه السلام

در اسفار پنج گانه در تورات در مورد پدر عیسی مسیح علیه السلام مطلبی بیان نشده است . ولی طبق نظر اناجیل چند پدر برای عیسی مسیح معرفی شده است ، که به ذکر چند مورد می پردازیم :

الف : یوسف نجار: این عنوان به طور آشکار یا کنایه در چند مورد در اناجیل بیان شده که به دو نمونه آن اشاره می شود^۲:

« همه بر وی شهادت دادند و از سخنان فیض آمیزی که از دهانش صادر می شد تعجب نموده گفتند مگر این پسر یوسف نیست ؟^۳ » ، « آیا این عیسی پسر نجار نمی باشد ؟^۴ » با توجه به این موارد عیسی پسر یوسف نجار بوده است .

ب : داوود: در چند مورد عیسی مسیح پسر داوود معرفی شده که به چند مورد آن اشاره می کنیم :^۵ « خداوند تخت پدرش داوود را به او عطا خواهد فرمود .^۶ » « دو کور عقب او افتادند و گفتند پسر داوود بر ما رحم کن^۷ » « تمام آن گروه در حیرت افتاده گفتند : آیا این شخص پسر داوود نیست ؟^۸ »

ج : یوسف - خدا: یوسف و خدا به طور اشتراکی در بعضی موارد به عنوان پدر عیسی مسیح مطرح شده که به دو نمونه آن اشاره می شود :^۹ « عیسی بدو گفت روباهان را سوراخ ها و مرغان هوا را آشیان ها است لیکن پسر انسان را جای سر نهادن نیست .^{۱۰} » « پس همه به او جواب دادند ما از تورات شنیده ایم که مسیح تا به ابد باقی می ماند پس

۱- سوره آل عمران ، آیه ۴۳ .

۲- مصطفی زمانی ، به سوی اسلام یا آیین کلیسه ص ۰۶

۳- انجیل لوقا ، باب ۴ ، جمله ۲۲ .

۴- انجیل متی ، باب ۳۱ ، جمله ۵۵ .

۵- همان ، ص ۱۶ .

۶- انجیل لوقا ، باب ۱ ، جمله ۳۳ .

۷- متی باب ۹ ، جمله ۲۲ .

۸- همان ، باب ۲۱ ، جمله ۲۲ .

۹- همان ، ص ۱۶ .

۱۰- انجیل متی ، باب ۸ ، جمله ۰۲ .

چگونه تو می گویی که پسر انسان باید بالا کشیده شود کیست این پسر انسان . «^۱

د : خدا: پسر خدا بودن عیسی در همه انجیل ها به چشم می خورد چنان چه در انجیل مرقس و لوقا و یوحنا آمده^۲ و در رساله اول یوحنا آمده است که می گوید : « هر که از خدا مولود شده است گناه نمی کند زیرا تخم او در وی ماند !! »^۳ و در انجیل متی از زبان عیسی آمده است که وی خدا را به عنوان پدر خطاب کرده است و می گوید : « عیسی گفت : ای پدر مالک آسمان و زمین تو را ستایش می کنم که این امور را از دانیان و خردمندان پنهان داشتی . »^۴

و : روح القدس: در انجیل متی آمده است که : « مریم نامزد یوسف بود و قبل از آن که با هم در آیند او را از روح القدس حامله یافتند..... فرشته خداوند در خواب بر یوسف ظاهر شده گفت : ای یوسف پسر داوود از گرفتن زن خویش نترس زیرا آن چه در وی قرار گرفته از روح القدس است . »^۵

آنچه مسلم است این است که علت آبستن شدن هر کس که باشد همان شخص پدر محسوب می شود ، زیرا طبق این عبارت غیر از روح القدس در امر آبستن شدن مریم ، شخص دیگری دخالت نداشته است ، پس روح القدس پدر عیسی است .^۶

با توجه به افرادی که در انجیل به عنوان پدر برای عیسی مسیح بیان شدند ، به بررسی نظر قرآن در مورد پدر عیسی مسیح پرداخته می شود . قرآن خلقت عیسی مسیح را مانند خلقت آدم می داند و می فرماید : **إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ** « در صورتی که آدم نه پدر داشته و نه مادر ، ولی عیسی مادر داشت است و نسبت به حضرت آدم وسیله ی بوجود آمدن عیسی مسیح آسان تر است . »^۷ البته باید گفت دو کتاب تورات و انجیل نیز معتقدند که حضرت آدم بدون وجود پدر و مادر به دنیا آمده است ، چنان چه در تورات آمده است : « پس خدا آدم را به صورت خود آفرید ، او را به صورت خدا آفرید ، ایشان را نر و ماده آفرید . »^۸ ، « خداوند ، خدا پس آدم را از خاک زمین بسرشت . »^۹

و در انجیل متی آمده است که : « خالق در ابتدا ایشان را ، مرد و زن را آفرید . »^{۱۰} بنابراین با اعتقاد به ادیان آسمانی پیدایش عیسی مسیح مستند به دستگاه قدرت الهی

۱- انجیل یوحنا ، باب ۲۱ ، جمله ۴۳ .

۲- مرقس باب ۱ جمله ۱ ، لوقا باب ۴ جمله ۱۴ ، یوحنا باب ۱ جمله ۸۱ .

۳- رساله اول یوحنا باب ۳ ، جمله ۹ .

۴- متی باب ۱۱ ، جمله ۵۲ .

۵- همان ، باب ۱ ، جمله ۲-۹۱ .

۶- مصطفی زمانی ، همان ، ص ۰۶ .

۷- سوره آل عمران ، آیه ۹۵ .

۸- تورات ، سفر پیدایش ، باب ۱ ، جمله ۲۲ .

۹- همان ، باب ۲ ، جمله ۷ .

۱۰- انجیل متی ، باب ۹۱ ، جمله ۴ .

است^۱. همچنین آیاتی از قرآن عیسی مسیح به نام عیسی بن مریم نامیده شده است که در اینجا به چند نمونه آن اشاره می شود: « وَ قَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَ... »^۲، « وَ لَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ »^۳، « وَ جَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً وَ... »^۴، « ذَالِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ... »^۵

در این آیات خداوند عیسی مسیح را به حضرت مریم نسبت می دهد در صورتی که پیامبران دیگر را به پدر یا مادر یا قومشان نسبت نمی دهد. به طور مثال در قرآن تعبیر « محمد بن عبدالله » مشاهده نمی شود.^۶ بنابراین تعبیر به « ابن مریم » در این آیات برای توجه دادن به این حقیقت است که عیسی مسیح تنها از مادر و بدون دخالت پدری، به فرمان پروردگار متولد شد و این تولد خود از آیات بزرگ قدرت پروردگار بوده است.^۷ و از آنجا که این تولد استثنایی رابطه ای با عیسی مسیح و مادرش مریم دارد هر دو را به عنوان یک آیه و نشانه می شمرد چرا که این دو « تولد فرزندی بدون دخالت پدر و همچنین بارداری بدون تماس با مرد، در واقع یک حقیقت هستند با دو نسبت متفاوت. »^۸

با توجه به آیات قرآن کریم حضرت عیسی فقط از مادر متولد شده و به هیچ عنوان پدری نداشته و همه دیدگاه های مختلف یهودیان در تولد و مسیحیان در انجیل مبنی بر پدر داشتن حضرت عیسی(ع) را رد می کند. و قرآن صریحاً عیسی را فرزند مریم معرفی کرده است.

۳- تولد مسیح طبق نظر تورات و انجیل و قرآن کریم

در تورات در اسفار پنج گانه راجع به تولد عیسی مسیح مطلبی بیان نشده است و در اناجیل نیز در مورد نحوه تولد عیسی مسیح در دو انجیل متی و لوقا^۹ مطلب جدیدی غیر از آن چه در قسمت های قبلی که مربوط به بارداری مریم بود بیان شده نیامده است. فقط در انجیل متی آمده است که: « پس از آن که یوسف شوهر مریم بواسطه ی روح القدس از بارداری و پاکی مریم آگاه شد مریم را به خانه خود آورد اما تا زمانی که مریم پسر خود را به دنیا نیاورد با او همبستر نشد و کودک را عیسی نام نهاد. »^{۱۰}

و همچنین در انجیل برنابا نیز در مورد نحوه تولد عیسی مسیح آمده است که زائیدن

۱- مصطفی زمانی همان، ص ۴۷.

۲- سوره ی نساء، آیه ۷۵۱.

۳- سوره ی زخرف، آیه ۷۵.

۴- سوره ی مؤمنون، آیه ۵۵.

۵- سوره ی مریم، آیه ۴۳.

۶- مترجمان، تفسیر هدایت، ج ۱، ص ۷۲۵.

۷- مصطفی زمانی، همان، ص ۲۷.

۸- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه ج ۴۱، ص ۲۵۲.

۹- انجیل لوقا، باب ۱، جملات ۸۳-۶۲.

۱۰- انجیل متی، باب ۱، جملات ۵۲-۸۱.

مریم عیسی را بدون درد و الم بوده است.^۱

و اما در قرآن درباره نحوه تولد حضرت عیسی مسیح آمده است که: « وَ اذْکُرْ فِی الْکِتَابِ مَرْیَمَ اِذِ انتَبَذَتْ مِنْ اَهْلِهَا مَکَانًا شَرْقِیًّا »^۲ (و در این کتاب ، مریم را یاد کن ، هنگامی که از خاندانش جدا شده و در مکانی شرقی قرار گرفت .)

« فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِیًّا »^۳ (آنگاه دور از دیگران برای خود پرده ای قرار داد ، در این هنگام ماروح خود (روح القدس) را به سوی او فرستادیم ، پس به شکل انسانی راست قامت بر او نمایان شد .)

این آیات اشاره به این مطلب دارد که مریم علیها السلام از خویشاوندان و آشنایان خود کناره گیری نمود و در جایی از ناحیه شرقی بیت المقدس که برای عبادت خود مهیا کرده بود عزلت گزید . و سبب این که مریم علیها السلام سمت شرقی را انتخاب کرد این بود که مسیحیان سمت مشرق را به این جهت با عظمت می پنداشتند که محل طلوع انواری بود و آنان جهات شرقی را از سایر جهات افضل و برتر می دانستند . و در سمت مشرق مریم علیها السلام بین خود و دیگران حجابی قرار داد و این حجاب به چهار معنی آمده : ۱- کوه ۲- پوشاک و پرده ۳- هر چیزی که مانع باشد . ۴- دیوار که معنی دوم و چهارم با ظاهر آیه سازش بیشتری دارد .^۴ و با توجه به آیه هفدهم بعضی گفته اند مریم علیها السلام در خود مسجد منزل کرده بود و هر وقت حیض می شد از آنجا بیرون شده به خانه زکریا می رفت و چون پاک می شد دوباره به مسجد بر می گشت تا آن که روزی پرده ای به دور خود کشیده بود تا غسل کند که ناگهان جبرئیل به صورت مردی جوان بر وی ظاهر شد و بشارت پیدایش عیسی مسیح را به حضرت مریم داد .^۵

درباره نحوه تولد عیسی مسیح علیه السلام در قرآن خداوند می فرماید : فَاجَاءَهَا الْمَخَاضُ اِلَى جِذْعِ النَّخْلَةِ قَالَتْ یٰلَیْتَنِیْ مِنْ قَبْلِ هٰذَا وَ کُنْتُ نَسِیًّا مِّنْسِیًّا .^۶ آنگاه که درد زاییدن او را به کنار درخت خرمایی کشانید و از شدت حزن و اندوه با خود گفت : ای کاش من پیش از این مرده بودم و از صفحه عالم به کلی نامم فراموش شده بود .

این آیه اشاره به این مطلب دارد که : وقتی حضرت مریم دچار درد زایمان شد ، به مکانی دور از قوم خود رفت که بسیاری معتقدند شهر ناصره بوده و شاید در آن شهر نیز حضرت مریم پیوسته در خانه می مانده و کمتر بیرون می رفت . و مریم می خواست در آن جا وضع حمل نماید که دچار ترس نیز شده بود

و ترس حضرت مریم تنها از تهمت های آینده نبود بلکه مشکلات و مصائب دیگر مانند

۱- انجیل برنلیا ، فصل ۳ ، ققره ۰۱ .

۲- سوره مریم ، آیه ۶۱ .

۳- سوره مریم ، آیه ۷۱ .

۴- محمد جواد نجفی خمینی ، تفسیر آسان ، ج ۱ ، ص ۳۹ .

۵- سید محمد باقر موسوی همدانی ، ترجمه تفسیر المیزان ، ج ۴۱ ، ص ۵۴ .

۶- سوره مریم ، آیه ۲۲ .

وضع حمل بدون قابله و دوست و یاور، در بیابانی تنها، نبودن محلی برای استراحت، آبی برای نوشیدن و غذایی برای خوردن، وسیله نگهداری کودک، اینها اموری بودند که حضرت مریم را می آزرندند. در این هنگام خداوند خطاب به حضرت مریم فرمودند به کنار درخت خرماي خشکیده ای برو.^۱

«فَادَّهَهَا مِنْ تَحْتِهَا أَلَّا تَحْزَنِي قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا^۲ پس از زیر آن درخت روح القدس با فرزندش عیسی او را ندا کرد که غمگین مباش که خدای تو از زیر قدم تو چشمه آبی جاری کرد.»

«وَهُزِّي إِلَيْكِ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا^۳. شاخه درخت را به سوی خود حرکت ده تا از آن رطب تازه فرو ریزد.»

و در ادامه خداوند به حضرت مریم فرمودند: که درخت خرماي خشکیده سبز و خرم می گردد و بار می آورد و آن درخت را حرکت را بده تا رطب تازه از آن فرو ریزد و از آن خرما تناول کنی. پس مریم برای رسیدن به درخت خرماي خشکیده از شهر بیرون رفت و به جمعی از بافندگان که در آن عصر بالاترین هنرمندان بودند برخورد کرد و محل خرماي خشکیده را جویا شد و آنان حضرت مریم را استهزاء کردند و جواب صحیح ندادند و مریم نیز ایشان را نفرین نمود، سپس حضرت مریم به طائفه تجار رسید که رو به شهر می آمدند و از ایشان محل نخل را پرسید پس او را راهنمایی کردند پس مریم در حق تجار دعا نمود و چون حضرت مریم به کنار درخت رسید درد زایمان پدیدار شد و عیسی مسیح متولد شد. آن درخت خشکیده که سالها بی ثمر بود چون دست حضرت مریم آن را لمس کرد، برگ و میوه داد و حضرت مریم از رطب تازه آن تناول کرد و با خوردن آن رطب ها آرامش در وجودش حاصل گشت.^۴

در قرآن درباره نحوه تولد حضرت عیسی مسیح سخن آمده است و به مباحث جزئی از تولد حضرت عیسی (ع) اشاره نموده است اما در تورات در اسفار پنج گانه راجع به تولد عیسی مسیح مطلبی بیان نشده است و در انجیل به صورت جزئی اشاره ای به دوان بارداری حضرت مریم داشته است.

۴- پیامبری حضرت عیسی مسیح علیه السلام در تورات و انجیل و قرآن

۴-۱- بشارت به پیامبری

در اسفار پنج گانه تورات در مورد بشارت به پیامبری عیسی مسیح علیه السلام مطلبی بیان نشده است

۱- ناصر مکارم شیرازی و دیگران. تفسیر نمونه، ج ۳۱، ص ۱۴-۱۴.

۲- سوره مریم، آیه ۴۲.

۳- سوره مریم، آیه ۵۲.

۴- سید محمد ابراهیم بروجردی، تفسیر جامع، ج ۴، ص ۶۶۲.

اما در انجیل لوقا درباره بشارت به پیامبری عیسی مسیح نوشته شده که: « و اینک حامله شده پسری خواهی زایید و او را عیسی خواهی نامید، او بزرگ خواهد بود و به پسر حضرت اعلی مسمی می شود و خداوند تخت پدرش داوود را به او عطا خواهد فرمود و او بر خاندان یعقوب تا به ابد پادشاهی خواهد کرد و سلطنت او را نهایت نخواهد بود.^۱»

و خداوند نیز در قرآن درباره بشارت به پیامبری عیسی مسیح علیه السلام فرموده است: « **إِذْ قَالَتِ الْمَلَكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ** ». ^۱ چون فرشتگان مریم را گفتند که خدا تو را به کلمه ی خود بشارت می دهد که نامش مسیح پسر مریم است، که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان درگاه خداست.

در قرآن در مورد بشارت به پیامبری حضرت عیسی(ع) اشاره شده است اما تورات در مورد بشارت پیامبری سخنی به میان نیاورده است و در انجیل لوقا در مورد بشارت به پیامبری حضرت عیسی اشاره کوتاهی داشته است.

۴-۲- اعلام پیامبری و دعوت مردم

در اسفار پنج گانه تورات درباره اعلام پیامبری عیسی مسیح علیه السلام چیزی نوشته نشده است. اما در انجیل برنابا درباره پیامبری عیسی مسیح چنین نوشته شده است: « و چون یسوع به سن سی سالگی رسید به کوه زیتون آمد تا با مادرش زیتون بچیند ... که انجیل را از فرشته جبرئیل فرا گرفت، و چون این نمایش جلوه گر شد یسوع دانست که او پیغمبری است که به سوی اسرائیل فرستاده شده، پس همه را برای مریم گفت و مریم به او جواب داد که ای فرزند من پیش از آنکه تو متولد شوی از همه اینها آگاه شدم، پس با نام خدا، یسوع از مادرش جدا شد تا به وظیفه پیغمبری خود پردازد.^۲»

و در انجیل مرقس چنین نوشته شده: « عیسی به استان جلیل آمد و مژده خدا را اعلام فرمود و گفت: ساعت مقرر رسیده و پادشاهی خدا نزدیک است توبه کنید و ایمان آورید. عیسی مسیح در سراسر جلیل می گشت و در کنیسه ها پیغام خود را اعلام می کرد و معجزات زیادی را انجام داد...^۳»

بنابراین حضرت عیسی مسیح علیه السلام با منطق قوی و معجزات شگفت انگیز خود سعی در بیان اعلام پیامبری خود به مردم را داشت.^۴

و اما خداوند در قرآن می فرماید که حضرت عیسی مسیح برای اعلام پیامبری خود به مردم فرمودند: « **وَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيِّ مِنَ التَّوْرَةِ وَ لِأَحِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ** »

۱- سوره آل عمران، آیه ۵۴.

۲- انجیل برنابا، جملات ۸-۱، ص ۷۵.

۳- انجیل مرقس: باب ۱ جملات ۵۴-۴۱ ص ۴۵ و باب ۲ جملات ۳۱-۱ ص ۵۵.

۴- عبدالله مبلنی ابانلی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ص ۵۹۶.

وَ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا أُمَّةً... و آمده ام در حالی که کتاب تورات شما را تصدیق کنم و حلال گردانم بعضی چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، و از طرف خداوند برای شما معجزه آوردم، پس ای بنی اسرائیل از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.» در تورات درباره اعلام پیامبری عیسی مسیح علیه السلام چیزی نوشته نشده است. اما در انجیل برنابا درباره پیامبری عیسی مسیح اشاره شده و در قرآن کریم صراحتاً در مورد اعلام حضرت عیسی مسیح به مردم بعنوان پیامبر از طرف خود سخن آورده است.

۵- عقاید نادرست نسبت به عیسی مسیح علیه السلام در تورات و

انجیل

در آیات انجیل کارهای ناشایست بسیاری به حضرت عیسی مسیح نسبت داده شده از جمله اهانت به مادر و قطع روابط خانوادگی و ظلم و ستم و ... که قرآن در برخی موارد به طور مستقیم و در برخی موارد به طور غیر مستقیم ساحت مقدس حضرت عیسی مسیح از چنین اعمالی بری می داند و ما در این جا آیاتی که به طور مستقیم بحث می کند را، از دیدگاه انجیل بیان کرده و در آخرین بحث به واسطه آیات اثبات کننده عصمت انبیاء به طور غیر مستقیم ساحت مقدس عیسی مسیح را بری می دانیم.

۵-۱- اهانت به مادر

یکی از کارهای ناشایستی که به عیسی مسیح، در اناجیل نسبت داده شده این است که با مادر خویش بد رفتاری می نموده، به طوری که در اناجیل آمده است: او با آن جماعت هنوز سخن می گفت که ناگاه مادر و برادرانش در طلب گفتگوی وی بیرون ایستاده بودند. شخصی وی را گفت اینک مادر تو و برادرانت بیرون ایستاده می خواهند با تو سخن گویند. در جواب گفت: کیست مادر من؟ برادرانم کیانند؟ و دست خود را به سوی شاگردان خود دراز کرده و گفت: اینانند مادر من و برادرانم، چه هر کس که خواهش پدر من که در آسمان است به عمل آورد او برادر و خواهر و مادر من است.^۲

« چون شراب تمام شد، مادر عیسی به او گفت شراب ندارند، عیسی به وی گفت:

ای زن مرا با تو چه کار است؟^۳»

آیات بالا مکان بی مهتری و خلاف اخلاق و هتک حرمت عیسی مسیح را نسبت به مادرش بیان می کند و حتی تصریح کرده که عیسی مسیح نسبت بی ایمانی به حضرت مریم داده به همین علت عیسی مسیح را اولاً به خاطر هتک حرمت به مادر ترک کننده

۱ - سوره آل عمران، آیه ۵۵.

۲ - انجیل متی، باب ۲۱، آیات ۵ - ۶۴.

۳ - انجیل یوحنا، باب ۲، جملات ۴-۳.

دستور اکید و لازم الاجرای خدا می باشد.^۱ و ثانیاً با توجه به نظر تورات، « لعنت بر کسی که پدر و مادر خود را خوار داشته باشد و تمامی قوم آمین بگویند. »^۲ حضرت عیسی ملعون خداوند معرفی شده است.^۳

و اما خداوند در قرآن درباره حضرت عیسی مسیح می فرماید: « وَ بَرًّا بِوَالِدَتِي وَ لَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا^۴ و مرا نیکوکار به مادرم ساخت و مرا ستم کار و شقی نگردانید. » بنابراین خود حضرت عیسی علیه السلام می فرماید که خداوند من را به نیکویی و مهربانی به مادر توصیه کرده و بی مهر و عاطفه و ستم کار قرار نداد.

در این مورد قرآن کریم به نیکی و مهربانی حضرت عیسی نسبت به مادر اشاره کرده و با توجه به این مطلب گفته انجیل مبنی بر اهانت و بی احترامی نسبت به مادر را رد می کند.

۵-۲- قطع روابط خانوادگی

در انجیل آمده که حضرت عیسی مسیح، مردم را به قطع رحم و تفرقه و جدایی تحریک می کرد و آنها را به دشمن داشتن پدر و مادر و برادران و خواهران و فرزندان امر می کرد چنان که در انجیل آمده است: « اگر کسی نزد من آید و پدر و مادر و زن و اولاد و برادران و خواهران حتی جان خود را نیز دشمن ندارد شاگرد من نمی تواند بود. »^۵ « آمده ام تا مرد را از پدر خود و دختر را از مادر خویش و عروس را از مادر شوهرش جدا سازم و دشمنان شخص اهل خانه او خواهند بود. »^۶ « آیا گمان می برید که من آمده ام تا سلامتی بر زمین بخشم نه بلکه به شما تفریق را می گویم، زیرا بعد از این پنج نفر که در یک خانه باشند، دو از سه و سه از دو جدا خواهند شد، پسر از پدر و مادر و پدر را از پسر و مادر و مادر از دختر و دختر از مادر و عروس از عروس و عروس از خارسو خواهند نمود. »^۷ با توجه به انجیل حضرت عیسی علیه السلام حتی به این حد از تفرقه و جدایی و بهم ریختن نظام خانوادگی قناعت نکرده و فرمود: « گمان می کنید که من آمده ام تا سلامتی بر زمین بگذارم؟ نیامده ام تا سلامتی بگذارم، بلکه شمشیر را. »^۸ « من آمده ام تا آتشی در زمین افروزم. »^۹ با توجه به این جملاتی که در انجیل آمده خنده دار است که مسیحیان دین خود را دین محبت و صلح می نامند و اسلام را دین شمشیر و جنگ معرفی می کنند. بدین ترتیب انجیل امر می کند قطع رحم نمایید و از پدر و مادر جدا

۱- محمد صادقی، بشرت عهدین، ص ۱۷.
۲- تورات، سفر تثنیه، فصل ۷۲، آیه ۶۱.
۳- محمد صادقی، همان، ص ۱۷.
۴- سوره مریم، آیه ۲۳.
۵- انجیل لوقا، باب ۴۱، جمله ۶۲.
۶- انجیل متی، باب ۱۰، جملات ۳۳-۵۳.
۷- انجیل لوقا، باب ۲۱، جملات ۴۵-۱۵.
۸- انجیل متی، باب ۱۰، جمله ۳۳.
۹- انجیل لوقا، باب ۲۱، جمله ۹۴.

شوید و فاصله بگیرید.^۱ البته در قرآن به رد کردن این تهمت از حضرت عیسی به صورت مستقیم اشاره نشده است ولی می توان به واسطه عصمت حضرت عیسی اثبات نمود علاوه بر این که قرآن چنین روش نفاق و جداسازی را به طور کلی رد می نماید و می فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَ الْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَيْكُمْ رَقِيبًا.^۲ ای مردم بترسید از پروردگار خود آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن ، جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن پراکند و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر مسئلت و درخواست می کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید ، همانا خدا مراقب اعمال شماست . »

در انجیل اشاره به این دارد که حضرت عیسی به قطع روابط خانودگی تاکید داشته اما با توجه به مقام عصمت حضرت عیسی و اینکه قرآن نفاق و جداسازی و قطع روابط خانوادگی را رد می کند می توان این دیدگاه مسیحیان را رد نمود.

۵-۳- تغییر دهنده تورات و تبدیل کننده احکام

تورات شامل آیاتی است در زمینه این احکام و مقررات آن دائمی است و تمجیدهایی در این خصوص به طور روشن در ضمن آیات آن مندرج است و مدعی است که این مقررات ، صلاحیت جاودانی بودن برای اداره امور مردم را دارد و قوانین آن حافظ نظام حقیقت است و او موجب حیات بشری و سعادت سرمدی است.^۳ و در انجیل آمده که : گمان مبرید که آمده ام تا تورات و صحف انبیاء را باطل سازم ،

نیامده ام تا باطل نمایم بلکه تا تمام کنم زیرا هر آینه به شما می گویم تا آسمان و زمین زایل نشود همزه یا نقطه ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد ، پس هر که یکی از این احکام را بشکند و به مردم چنین تعلیم دهد در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود ، اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد .^۴

ولی همین عیسی و شاگردانش به کلی شریعت مولا را تغییر داده و به تدریج آن را از بین بردند و حتی حرف و اثری از آن باقی نگذاشته اند به طوری که هر چیز را مباح کردند و به طهارت و پاکی همه چیز حکم دادند ! عیسی مسیح ختنه کردن را باطل کرد و تعطیلی روز شنبه و تعدد زوجات را که از اساسی ترین مقررات تورات هستند از بین برد و باطل ساخت و حتی طلاق را هم حرام اعلام نموده در روایتی از انجیل متی در این باره چنین آمده است که :

۱- محمد حسین کاشف الغطاء، پژوهشی درباره ی انجیل و مسیح، ص ۸۵۱

۲- سوره نساء، آیه ۱.

۳- محمد حسین کاشف الغطاء، همان، ص ۶۵۱.

۴- انجیل متی، باب ۵، جملات ۹۱ - ۷۱.

۵- محمد حسین کاشف الغطاء، همان ص ۷۵۱.

۵-۵- داخل کردن شیطان در انسان و حیوانات

جایی که مسیح شیطان را در انسان داخل می کند در داستان یهودای اسخریوطی است که یکی از خواص حواریون دوازده گانه و از نزدیک ترین اصحاب عیسی مسیح است که برای خودش انتخاب کرده، چنانکه در انجیل یوحنا در جواب اینکه کدام شخص او را تسلیم به دار زدن خواهد کرد، عیسی جواب داد: «آن است که من لقمه را فرو برده به او می دهم پس همه را فرو برده و به یهودای اسخریوطی پیر شمعون داد، بعد از لقمه شیطان در او داخل گشت.»^۱

در آخر کتاب یوحنا چنین آمده است: «عیسی به ایشان جواب داد آیا من شما دوازده نفر را برنگزیدم و حال که یکی از شما ابلیسی است.»^۲

و اما درباره داخل کردن شیطان در حیوانات در انجیل آمده: وقتی که او به طرف قبر آمد دو نفر دیوانه پیش او آمدند که از قبرهایشان بیرون آمده بودند، پس فریاد زدند ما را با تو چکار؟ ای عیسی! ای پسر خدا مگر آمده ای که ما را قبل از موقع عذاب دهی و عقوبت نمایی؟ و به فاصله دوری از ایشان گله خوک می چرید، به این سبب شیاطین به عیسی گفتند و از او خواستار شدند که ما را از دیوانگان بیرون کن و اجازه بده به این گله خوک داخل شویم! پس به ایشان گفت بروید. بعد ایشان خارج شدند و داخل گله خوک گردیدند. و این گله خوک یک مرتبه خود را به دریا پرتاب کردند و در آن غرق شدند و چوپانان نیز از مشاهده این وضع هراسان شدند و پا به فرار گذاشتند!!^۳ و ظلم و ستم عیسی مسیح نسبت به درختان و نباتات که در انجیل متی آمده: «بامدادان هنگامی که به شهر بر می گشت گرسنه شد و آنجا سر راهش درخت انجیری به چشمش خورد و به طرف او روانه گشت ولی چیز خوردنی در او نیافت از این رو گفت: از این پس تو را هرگز میوه مباد، بدین سبب خشک گردید.»^۴

حال با توجه به آن چه بیان شد اگر درباره مسیحی که قرآن توصیف می کند و مسیحی که انجیل ها را معرفی می کنند، دقت کنید متوجه می شوید که میان این دو مسیح چقدر فاصله وجود دارد و آن دو تا چه اندازه با هم اختلاف و تفاوت دارند. خداوند عیسی مسیح را انسانی پر برکت معرفی کرده و می فرماید که: نقصی در حرم امن زندگی این انسان کامل نیست و در همه ی ادوار از سلامت برخوردار

است. او مظهر جمال و جلال حق است، از این رو نه می توان به او آسیبی رساند تا از سعادتش محروم گردد و نه او به کسی آسیب می رساند تا دیگران را از سعادت محروم کند بلکه آنچه از او به دیگران می رسد خیر رحمت و برکت است. قرآن دو صفت ممتاز

۱- انجیل یوحنا، باب ۴۱، جمله ۶۲.

۲- همان.

۳- انجیل متی، باب ۸، جملات ۳۳-۳۴.

۴- انجیل متی، باب ۱۲، جملات ۰۲-۰۱.

برای عیسی بر شمرده است و می فرماید: عیسی بنده خداست که از کتاب الهی و نبوت برخوردار است و موجودی است پر برکت که دائم با نماز و زکات در ارتباط است و نسبت به مادرش رئوف و مهربان است و نسبت به کسی شقی و جبار نیست.^۱ چنانچه خداوند در قرآن می فرماید: « فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْمَهْدِ صَبِيًّا.....^۲ عیسی در گهواره به امر خدا به سخن آمده گفت:

همانا من بنده خدایم که من را کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود. و هر جا که باشم و در هر جا که بوده ام در صلب پدران و رحم مادران هنگام تولد تا گاه مردان، مرا مبارک و پاک و مایه برکت و سربلندی قرار داد و تا زنده ام به نماز و روزه سفارش فرمود، و به نیکویی و مهربانی با مادر توصیه نموده و من را ستمکار و بی مهر و عاطفه قرار نداد، و سلامتی و پاکی از هر جهت (جسمی و روحی و نسبی) با من بوده و هست و از هنگامی که تولد یافته‌م و روزی که از جهان بروم و زمانی که برای زندگی ابدی باز برانگیخته شوم، این است عیسی پسر مریم و گفتار حق درباره او همان است که بیان شد. »

بر اساس این مطالب با توجه به عصمت حضرت عیسی(ع) می توان وجود این کارهای ناشایست را از ساحت مقدس حضرت عیسی دور نمود. و ادعاهای مسیحیان را رد نمود.

۶- نسبت های نادرست در رابطه با عیسی مسیح

۶-۱- تثلیث

تثلیث در تورات نبوده و جزء عقاید کلیسا می باشد. یهود در رابطه با این که عیسی مسیح خود را فرزند خدا خوانده است وی را به مرگ محکوم کرد.^۳ اعتقاد به تثلیث اساس آموزه های مسیحیت را ساخته همان گونه که توحید بنیان اعتقادی در اسلام به شمار می آید. مسیحیان هر کاری را با آن آغاز می کنند و اولین چیزی که می آموزند پدر و پسر و روح القدس است.^۴ و متن انجیل به صراحت نقل می کند که عیسی مسیح به حواریون خود گفت: « پس رفته همه امت ها را شاگرد خود سازید و ایشان را به اسم، اب و ابن و روح القدس تعمیم دهید.»^۵ داستان تعمیم یافتن عیسی مسیح، آن گونه که در انجیل متی و لوقا آمده است، دخالت پدر و روح القدس را بیان می کند. « اما عیسی چون تعمیم یافت فوری از آب بر آمد که در ساعت آسمان بر وی گشاده شد و روح خدا را دید که مثل کبوتری نزول کرده بر وی می آید. آنگاه خطابی از آسمان در رسید که این پسر حبیب من است که از او خشنودم.»^۶

۱- جولای املی، تفسیر موضوعی قرآن، ج ۷، ص ۵۵۳-۴۵۳.

۲- سوره مریم، آیات ۳۳-۹۲.

۳- عبدالله مبلانی، آباتنی، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، ج ۲ ص ۳۶.

۴- مصطفی زمانی، به سوی اسلام یا آیین کلیسا، ص ۲۱۱.

۵- انجیل متی، باب ۹۱، جمله ۸۲ و انجیل مرقس باب ۶۱، جمله ۵۱.

۶- انجیل متی، باب ۳، جملات ۷۱-۶۱ و مرقس باب ۱، جملات ۱۱-۹.

وعیسی مسیح در انجیل یوحنا می گوید: «ومن از پدر سؤال می کنم و تسلی دهندہ ی دیگریہ شما عطا خواهد کرد تا ہمیشہ با شما بماند یعنی روح راستی... پدر عطا می کند، پسر در خواست می کند و روح فرستادہ یا عطا می گردد.»^۱

پس بنا بر مطالبی کہ بیان شد مسیحیان معتقدند سہ شخصیت تثلیث یعنی پدر و پسر و روح القدس سہ وجود مستقل و متمایز هستند و در عین حال یک ذات دارند ولی سخن این جاست کہ ہر شخصیتی برای شناختہ شدن دارای ویژگی های منحصرہ ای است کہ دیگری ندارد، پس این سہ شخصیت تثلیث چگونه از ہم باز شناختہ می شوند ، آیا این سہ شخصیت کپی یکدیگرند و یکسان هستند کہ در این صورت سہ شخصیت نیستند بلکه یک شخصیت واحد هستند پس وجہ تمایز این سہ شخصیت در چہ چیز است و با ہم چہ تفاوتی دارند کہ یکی پدر و یکی پسر و دیگری روح القدس شدہ است ، اگر تفاوت در یکی از صفات الہی باشد یعنی یکی از آنها دارای صفتی باشد کہ دیگری ندارد ، این مستلزم نقص در ذات الہی است و نقص در ذات الہی محال است .^۲

مسیحیان معتقد بہ تثلیث برای اینکه در مقابل دانشمندان علم عقاید عاجز نماندہ باشند بیان می کنند کہ مقصودشان از تثلیث این نیست کہ سہ خدای جداگانہ در خارج موجود باشد تا با توحید نسازد بلکه بیان می کنند کہ خدا مانند شعاع آفتاب کہ از حرارت و روشنایی و اثر شیمیایی تألیف شدہ از سہ اقنوم یعنی پدر و پسر و روح القدس ترکیب شدہ است و این گونه خدا را مرکب از اجزاء معرفی می کنند کہ ہموارہ بہ اجزاء خود محتاج می باشد .^۳

و خداوند در قرآن در رد عقیدہ تثلیث می فرماید : « يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَ كَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَ رُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ رُسُلِهِ وَ لَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَٰهٌ وَاحِدٌ سُبْحٰنَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا؛^۴ ای اهل کتاب ، در دین خود اندازہ نگہ دارید ، و درباره خدا جز بہ راستی سخن نگوئید ، در حق مسیح عیسی بن مریم جز این نشاید گفت کہ او رسول خدا است و کلمہ الہی است کہ بہ مریم فرستادہ و روحی از عالم الوہیت است، پس بہ خدا و ہمہ فرستادگانش ایمان آورید و بہ تثلیث قائل نشوید (اب و ابن و روح القدس را از خدا نخواہید) از این گفتار شرک باز ایستید کہ برای شما بہتر است جز خدای یکتا خدایی نیست»

خداوند در این آیہ بہ یکی از مهمترین انحرافات جامعہ مسیحیت یعنی مسألہ تثلیث و خدایان سہ گانہ اشارہ کردہ و با جملات کوتاہ آن ها را از این انحراف بزرگ بر حذر می دارد و خطاب « یا اهل الکتاب» برای یہود و نصاری ہر دو طایفہ اهل کتاب است چون

۱-انجیل یوحنا، باب ۴۱، جملہ ۶۱.

۲- بی نام، حقیقت مسیحیت، ص ۵۴۱.

۳- همان.

۴-سورہ نساء، آیہ ۱۷۱.

هم نصاری غلو در مسیح کردند و یهود غلو در غریز کردند و او را ابن الله نامیدند.^۱ و خداوند آنها را نهی می کند یعنی ای اهل کتاب افراط در دین خود و تجاوز از حق در آن نکنید زیرا غلو همواره یک عیب دارد و آن این است که ریشه اصلی مذهب یعنی خداپرستی و توحید را خراب می کند و قول به تثلیث هم یک زیاده روی در دین است که از آن نهی شده.^۲ همچنین خداوند در قرآن می فرماید: «لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ؛ محققا کافر شدند کسانی که گفتند خدا سومین اقنوم از اقانیم سه گانه است.»^۳ در این آیه اقانیم به معنی ذات است و خداوند قائلین به چنین کلامی را کافر معرفی کرده و می فرماید: در اصل کفو و مانندی برای خدا یافت نمی شود.^۴

پس خداوند در قرآن با توجه به این آیات بدعت تثلیث را رد می کند. ابتدا در آیه اول اهل کتاب را از غلو باز می دارد و سپس به صورت حصر می فرماید: مسیح فقط پیامبر خدا و کلمه او بود و سپس می فرماید خدا منزله است از این که پسری داشته باشد و این در حالی است که شخصیت دوم تثلیث، پسر است. و در آیه دوم به نفی مقید تثلیث می پردازد.^۵ و در تورات نیز در رد عقیده تثلیث آمده است که «يَهْوَهُ خداست، غیر از او دیگری نیست»^۶، «يَهْوَهُ خدای ما، یهوه ی احد است.»^۷

با توجه به مطالب فوق آیات قرآن به وضوح تثلیث مسیحی را چه به معنای ارتدوکسی آن و چه بر طبق تفاسیری که دیگر فرقه های مسیحی عنوان کرده اند، مردود می شمارد؛

۶-۲- الوهیت عیسی مسیح

یکی از مهمترین اعتقادات مسیحیان، اعتقاد به الوهیت عیسی مسیح است. ایشان معتقدند که مسیح صد در صد خداست و یکی از اقانیم ثلاثه ی الهی می باشد که در عین حال لباس جسم پوشیده و به میان بشر آمد تا آن جا که عیسی مسیح را مساوی و هم ذات خدای متعال دانسته و تمام صفات الهی را نیز برای ایشان قائل هستند. اندیشه تجسد خدا در عیسی بیشتر در انجیل یوحنا مطرح شده است.^۸ چنان چه آمده است: «در ازل، پیش از آن که چیزی پدید آید، کلمه وجود داشت و نزد خدا بود. او همواره زنده بود و خود او خدا است.»^۹

مسیحیان برای اثبات الوهیت مسیح به برخی از آیات اناجیل استناد کرده اند که عبارتند از:

۱- سوره توبه، آیه ۰۳.
 ۲- سید مرتضی حسینی اصفهانی، نگرش وحی بر یهود و مسیحیت در مجموع قرآن، ج ۱، ص ۷۰۱.
 ۳- سوره مائده، آیه ۳۷.
 ۴- سید مرتضی حسینی اصفهانی، همان، ص ۲۷-۱۷.
 ۵- همان، ص ۷۰۱.
 ۶- تورات، سفر تثنیه، باب ۴، جملات ۹۳-۵۳.
 ۷- همان، باب ۶، جمله ۴.
 ۸- رابینسون نیل، مقاله عیسی در قرآن، عیسای تاریخی و اسطوره تجسد، ص ۸۴۱.
 ۹- انجیل یوحنا، باب ۱، جملات ۳-۱.

« من و پدر یکی هستیم . »^۱ « پدر در من و من در پدرم »^۲ « نه برای این ها فقط سؤال می کنم که بلکه برای آنها نیز که به وسیله کلام به من ایمان خواهند آورد تا یک گردند چنان که تو ای پدر در من هستی و من در تو تا ایشان نیز در ما یک باشند . »^۳

و این کلام مسیح به نظر دانشمندان کلیسا بر این مطلب گواهی می دهد که مسیح خدا است زیرا به وضوح گفته است خدا در مسیح است و مسیح در خدا و یکی از بهترین دلایل بر الوهیت مسیح به شمار می آید . در پاسخ باید گفت که منظور از این جملات نه اتحاد واقعی با خدا که نوعی اتحاد مجازی است.^۴ مثلاً در جایی دیگر آمده : « هر که اقرار کند عیسی پسر خداست ، خدا در وی ساکن است و وی در خدا ساکن است . »^۵ ، « خدا محبت است و کسی که در محبت ساکن است در خدا ساکن است و خدا در او ساکن است . »^۶

آیاتی از قرآن نیز نفی کننده الوهیت حضرت مسیح است مانند آیات ذیل :

– **مسیح آفریده ای از خدا:** اما با توجه به آنچه در اناجیل برای اثبات الوهیت مسیح مطرح شد در مقابل آیاتی نیز وجود دارد که الوهیت مسیح را نفی می کند حتی عیسی مسیح را انسانی با جهل و ناتوانی معرفی می کند و صفاتی را به ایشان نسبت می دهد که با الوهیت ایشان سازگار نیست. چنان که در خود انجیل تأکید شده است که خدا به معنای حقیقی بیش از یکی نیست و عیسی، خدا را خدای واحد حقیقی می خواند. « و حیات جاودانی این است که تو را خدای واحد حقیقی و عیسی مسیح را که فرستادی بشناسد. »^۷

و خداوند نیز در قرآن راجع به اعتراف عیسی مسیح به بندگی خود و تکذیب اتهام الوهیت می فرماید: « قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ءَاتَنِي الْكِتَابَ وَ جَعَلَنِي نَبِيًّا؛^۸ عیسی گفت : همانا من بنده خاص خدایم که من را کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود. »

عیسی مسیح بارها در اناجیل بیان کرده که آفریده ای جدا از خدا است و خدایی در بالای سر خود دارد خدایی که او را می پرستد و او را پدر خطاب می کند. به طوری که در اناجیل آمده: « چرا من را نیکوگفتی و حال آن که کسی جز خدا نیکو نیست. »^۹ بنابراین عیسی می گفت که هیچ کس حتی خود را و نیز به نیکویی خدا نیست و نیکویی خدا آن چنان است که او را از عیسی جدا می کند . و خداوند نیز در قرآن می فرماید: « إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُوْلُ اللّٰهِ وَ كَلِمَتُهُ اَلْقَوْلُ اِلَى مَرْيَمَ وَ رُوْحٌ مِّنْهُ^{۱۰} همانا عیسی بن مریم رسول خدا و کلمه الهی است که به مریم فرستاده و روحی از عالم الوهیت است. »

۱- همان ، باب ۰۱ ، جمله ۰۳ .

۲- همان ، باب ۰۱ ، جمله ۰۹۳ .

۳- همان ، باب ۰۲ ، جمله ۰۷۱ .

۴- رابینسون نیل ، همان .

۵- نامه اول یوحنا ، باب ۴ ، جمله ۵۱ .

۶- همان ، باب ۴ ، جمله ۶۱ .

۷- انجیل یوحنا ، باب ۷۱ ، آیه ۳ .

۸- سوره مریم ، آیه ۰۳ .

۹- انجیل مرقس ، باب ۰۱ ، جمله ۸۱ .

۱۰- سوره نساء ، آیه ۱۷۱ .

و همچنین خود مسیح در مورد پرستش خدا به بنی اسرائیل می فرماید: « قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَ قَالِ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَ رَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَاؤُهُ النَّارُ وَ مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ آنان که قایل به خدایی مسیح پسر مریم شدند، درحقیقت کافر گشتند، در حالی که خود مسیح گفت: ای بنی اسرائیل، خدایی را که آفریننده من و شماست پرستید، که هر کس به خدا شرک آورد خدا بهشت را بر او حرام گرداند و جایگاهش آتش دوزخ باشد و ستمکاران را هیچ کس یاری نخواهد کرد.»

- عدم اختیار مسیح : در اناجیل آمده : « پسر از خود هیچ نمی تواند کرد مگر آنچه ببیند که پدر به عمل آرد. »^۲ ، « از آسمان نزول کردم نه به اراده ی خود عمل کنم بلکه به اراده ی فرستنده ی خود عمل کنم . »^۳ « من از خود هیچ نمی توانم کرد . »^۴ پس بنابر آیات فوق عیسی مسیح علیه السلام به صراحت تأکید دارد از خود هیچ اختیاری ندارد .

- دانش محدود عیسی مسیح: حضرت عیسی علیه السلام هنگام نبوت درباره خود بیان داشت که : از آن روز و ساعت غیر از پدر هیچ کس اطلاعی ندارد ، نه فرشتگان در آسمان و نه پسر هم اطلاعی ندارد .^۵

- اظهار عجز و ناتوانی عیسی مسیح : در موارد فراوانی حضرت عیسی علیه السلام احساس عجز و ناتوانی کرده است که این خصوصیت با الوهیت وی سازگاری ندارد . برای مثال موقعی که حضرت عیسی علیه السلام را به گفته ی خودشان به صلیب می کشند عیسی در مقابل ظلمی که به ایشان می کنند و همچنین جسارت های دیگران هیچ عکس العملی نمی تواند نشان دهد . « نزدیک به ساعت نهم عیسی بر بالای صلیب به آواز بلند صدا زده و گفت: ایلی ایلی لما سبقتنی یعنی الهی الهی چرا مرا ترک کردی . »^۶ همچنین هنگامی که به کوه بالا می رفت خسته می شد فرشته ای می آمد و وی را تقویت می کرد . « و بر حسب عادت بیرون شده به کوه زیتون رفت و شاگردانش از عقب او رفتند دعا کرده گفت ... و فرشته ای از آسمان بر او ظاهر شده او را تقویت می نمود پس به مجاهده افتاده به سعی بلیغ ترد دعا کرد ، چنان که عرق او مثل قطرات خون بود که بر زمین می ریخت . »^۷

با این اوصاف آیا خدا « مسیح » نیاز به تقویت شدن دارد و دیگر اینکه خستگی از

۱- سوره مائده ، آیه ۲۷ .

۲- انجیل یوحنا ، باب ۵ ، جمله ۸۱ .

۳- همان ، باب ۶ ، جمله ۸۳ .

۴- همان ، باب ۵ ، جمله ۰۳ .

۵- انجیل مرقس ، باب ۳۱ ، جمله ۲۳ .

۶- انجیل متی ، باب ۲۷ ، جمله ۶۴ .

۷- انجیل لوقا ، باب ۲۲ ، جملات ۵۴ - ۹۳ .

اوصاف انسانی است و با صفات خدا سازگاری ندارد .

- **وسوسه شیطان:** در انجیل متی آمده: « ابلیس عیسی را تجربه می نماید . »^۱
شیطان سعی می کند تا عیسی را وادار نماید که وفاداریش نسبت به خدا را زیر پا بگذارد .
« شیطان پس از آنکه همه ممالک جهان و جلال آنها را به عیسی نشان داد ، گفت : اگر افتاده مرا سجده کنی همانا این همه را به تو بخشم . »^۲

بنابراین وسوسه عیسی فقط در حالی می توانست مفهوم داشته باشد که او خدا نباشد ، بلکه فردی جدا و دارای اراده آزاد باشد و عیسی چون خدا نبود می توانست وفادار نماند و شیطان را سجده کند ولی عیسی وفادار باقی ماند و گفت : « دور شو ای شیطان زیرا مکتوب است که خداوند خدا خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما »^۳

- **دعاهای مسیح برای خود:** دعاهای عیسی مسیح دلیل قدرت مندی است که او از مقام پایین تری برخوردار بود . بنابراین آنچه در انجیل آمده که عیسی در هنگام مرگ با دعاهای خود نشان داد که چه کسی مقام برتر از او داشت : « ای پدر اگر بخواهی این پیاله را از من بگردان لیکن به خواهش من بلکه به اراده تو . »^۴

- **تولد عیسی مسیح:** قائلین به الوهیت مسیح ، تولد اعجاز گونه مسیح را دلیل بر الوهیت عیسی می دانند . و تنها حضرت مسیح را دارای این ویژگی منحصر به فرد می دانند ، در پاسخ باید گفت : شکی نیست که ولادت مسیح بدون پدر معجزه است همان گونه که خدا در قرآن می فرماید : « وَ جَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَ أُمَّهُ آيَةً وَ »^۵ ، و ما پسر مریم و مادرش را آیت و معجزه بزرگ گردانیدیم .

همچنین قرآن ولادت مسیح را همچون خلقت آدم می داند و می فرماید : « إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ . » همانا مثل خلقت عیسی به امر خدا مثل خلقت آدم است که او را از خاک ساخت . سپس به آن خاک گفت : بشری به حد کمال باش ، همان دم چنان گشت . »

بنابراین با توجه به آیات در رد استدلال مسیحیان که می گویند : برای خداوندی مسیح همین بس که از بشری زاده نشده و اگر مخلوق بود می بایست از بشر زاده می شد ، باید گفت که در این صورت باید آدم خدای مسیح باشد و آدم سزاوارتر است که خدا باشد چرا که او نه پدر داشت و نه مادر ولی مسیح مادر داشت و حواء را هم باید به عنوان خدا پذیرفت چرا که او نیز مادر نداشت و این از خلقت مسیح عجیب تر است .

۱- متی باب ۴ ، جمله ۱ .

۲- همان ، جمله ۸ - ۹ .

۳- همان ، جمله ۰۱ .

۴- انجیل لوقا ، باب ۲۲ ، جمله ۲۴ .

۵- سوره مؤمنون ، آیه ۰۵ .

۶- سوره آل عمران ، آیه ۹۵ .

عبادت مسیح: در جای جای کتاب مقدس آمده که عیسی مسیح خدا را عبادت می کرد به عنوان مثال: « آن گاه عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه نماید و چون چهل شبانه روز، روزه داشت آخر گرسنه شد...»^۱ پس طبق این آیه مسیح روزه می گرفت. و در جایی دیگر آمده: « پس ابلیس او را به کوه بسیار بلندی برد و همه ممالک جهان و جلال آن ها را به او نشان داد و به وی گفت: اگر افتاده مرا سجده کنی ، همانا این همه را به تو می بخشم. آنگاه عیسی به او گفت : دور شو ای شیطان زیرا مکتوب است که خداوند، خدای خود را سجده کن و او را فقط عبادت نما»^۲ پس بنابر این آیه مسیح خدا را سجده می کرد. و در قرآن خداوند می فرماید: « وَ جَعَلْنِي مُبَارَكًا أَيَّنَمَا كُنْتُ وَ أَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا. ^۳ و مرا هر کجا که باشم مایه برکت و رحمت گردانید، و تازندهام به عبادت، نماز و زکات سفارش کرد.»

مرگ عیسی مسیح: تمامی اناجیل اتفاق نظر دارند در این که حضرت عیسی بعد از واقعه صلیب جان سپرد و او را کفن کرده حنوط دادند و دفن کردند. برای مثال: « پس یوسف جسد او را برداشته در کتان پیچیده او را در قبری نو که برای خود از سنگ تراشیده بود گذارد و سنگی بزرگ بر آن غلطانیده برفت.»^۴

پس با توجه به این آیه انجیل عیسی دارای صفت فنا و مرگ است، صفاتی که در خدا راه ندارد همان گونه که در قرآن خداوند می فرماید: « وَ تَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَ سَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَ كَفَى بِهِ بَدُنُوبٍ عِبَادَهُ خَيْرًا. ^۵ و تو بر خدای زنده ابدی که هرگز نمی میرد توکل کن و به ستایش ذات او وی را تسبیح و تنزیه گو و هم او که به گناه بندگانش کاملاً آگاه است کفایت است.»

خلاصه آن که مفهوم جاودانگی در قرآن از خلال صورت های ساده ظاهر می گردد و حاکی از آن است که خداوند آفریننده جهان ، مقدم بر جهان است و آن گاه که جهان مخلوق نابود گردد ، او به عنوان داور و جزا دهنده باقی است . او به مقام معنا زنده است و به خود موجود پایدار است و برای همین در قرآن سه بار دو اصطلاح « قَیُّوم » و « حَی » به همراه هم آمده است تا بر جاودانگی خداوند تأکید کند .^۶

پس بنابر آیات نافی الوهیت مسیح در اناجیل و قرآن ، خداوند در قرآن الوهیت مسیح را از بزرگترین انحرافات مسیحیت دانسته و می فرماید : وَ يَوْمَ يَحْشُرُهُمْ وَ مَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَ أَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيلَ ^۷ همانا آنان که گفتند مسیح

۱- انجیل متی ، باب ۴ ، جملات ۲-۱ .

۲- همان ، جمله ۱۱-۸ .

۳- سوره مریم ، آیه ۱۳ .

۴- انجیل متی ، باب ۲۲ ، جمله ۷۵ .

۵- سوره فرقان ، آیه ۸۵ .

۶- دنیز ماسون ، قرآن و کتاب مقدس و درون مایه های مشترک ، ص ۵۶ .

۷- سوره مائده ، آیه ۷۱ .

بن مریم خداست کافر شدند . بگو ای پیغمبر کدام قدرت می تواند در برابر خدا کمترین مانعی ایجاد کند اگر خدا بخواهد عیسی و مادرش و هر که در روی زمین است را هلاک می گرداند و ملک آسمان ها و زمین و هر آن چه بین آنهاست همه از آن خداست . هر چه را بخواهد خلق می کند و او بر ایجاد و هلاک همه چیز تواناست . »

با توجه به مباحث قرآن مجید با صراحت دامان حضرت مسیح(ع) را از هر گونه ادعای ناروا در زمینه الوهیت پاک می شمرد و یهودیان عیسی را متهم می کردند که او ادعای خدایی کرده و حکم به تفکیر او و سنگسار نمودنش دادند.

مسیح به هنگام دفاع از خود، گاه می گوید: من گفته ام پسر خدا هستم و خدا پدر من است و گاه می گوید: من کارهایی انجام می دهم، اگر انجام ندادم سخن مرا باور نکنید و اگر انجام دادم باور کنید که خدا در من است و من در خدا. تعبیر به پسر و پدر و انجام کارهای خدایی و حلول انسان در خدا و خدا در انسان، تعبیراتی کفر آمیز است، که با هیچ یک از معیارهای منطقی سازگار نیست و اصولاً دلیلی ندارد که یک پیامبر، این گونه تعبیرات را در مورد خود و خداوند بیان کند.

این در حالی است که قرآن در آیاتی که در ابتدای بحث خواندیم با صراحت می گوید، هیچ گونه ادعایی جز بندگی خداوند و نبوت و رسالت از سوی او نداشت و در مقام عبودیت و تسلیم در برابر فرمان خدا نیز بسیار خاضع بود در آیات دیگر نیز می گوید: آنچه از معجزات انجام می داد همگی به اذن و فرمان خدا بود.

۶-۳- عیسی مسیح فرزند خداست

یکی از استدلالات مسیحیان برای خداوندی مسیح این است که در مواردی از کتاب مقدس حضرت عیسی علیه السلام خود را پسر خدا خطاب کرده و از خداوند تعبیر به پدر یا پدرم کرده است ، پس فهمیده می شود او پسر خداست . برای مثال : « پس عیسی آوازی بلند برآورد و جان داد و چون یوز باشی که مقابل وی ایستاده بود ، دید که بدترین طور صدا زده ، روح را سپرد و گفت : فی الواقع این مرد پسر خدا بود . »^۱

در جواب این استدلال باید گفت که در ادبیات این کتب خداوند پدر همه مؤمنین و صالحین خوانده شده است و در موارد متعدد از مؤمنین تعبیر به فرزندان خدا شده است و افراد بسیاری مانند بنی اسرائیل هم پسران خدا خوانده شدند و اگر بنا باشد ما او را فرزند واقعی خدا بنامیم باید بنی اسرائیل را هم فرزند واقعی خدا بنامیم. برای نمونه: « واما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم بلکه از خداوند تولد یافتند.»^۲ « ای حبیبان یکدیگر را محبت نمایم زیرا که محبت از خداست و هر که محبت

۱- انجیل مرقس ، باب ۵۱ ، جملات ۹۳- ۹۴ .

۲- انجیل یوحنا ، باب ۱ ، جملات ۳۱ و ۲۱ .

می نماید از خدا مولود شده است و خدا را می شناسد.»^۱ و همچنین در اناجیل آمده: «عیسی چون تعمید یافت فوراً از آب برآمد و روح خود را دید که مثل کبوتری نزول کرده بر وی می آید، آن گاه خدایی از آسمان رسید که این است پسر گرامی من که از او خوشنودم.»^۲ «آن گاه عیسی به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه نماید و چون چهل شبانه روز، روزه گرفت آخر گرسنه گردید پس ابلیس تجربه کننده نزد او آمده گفت: اگر پسر خدا هستی بگو تا این سنگ ها نان شود.»^۳ «آن گاه ابلیس عیسی را به شهر مقدس برد، به وی گفت: اگر پسر خدا هستی خود را به زیر انداز، عیسی وی را گفت: خداوند خود را تجربه مکن.»^۴ اما بر خلاف آن چه در اناجیل آمده که عیسی مسیح خود را پسر خدا معرفی می کند در قرآن آمده که عیسی مسیح علیه یهود هشدار می دهد که خدا فرزند ندارد و در این رابطه خداوند در قرآن می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ رَبِّيَ وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۵ عیسی مسیح می فرماید: همانا خدا پروردگار من و پروردگار شماست پس او را عبادت کنید این صراط مستقیم است.

خردنامه قرآن و حدیث
دو فصلنامه علمی-تخصصی
دوره اول
شماره اول
پاییز و زمستان

در بیشتر مواردی که سخن از عیسی علیه السلام در قرآن به میان آمده سه نکته را متذکر شد، یکی کلمه مریم دنبال عیسی آمده مثل عیسی بن مریم و دوم این که سخن از ربوبیت به معنی مالکیت خدا به میان آمده و سوم بندگی است و تکرار این سه نکته مانع از این است که یهود و نصاری عیسی مسیح را فرزند خدا می دانستند.^۶ همان گونه که در قرآن آمده است که: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصَارَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ»^۷ یهود می گفتند عزیز فرزند خداست و نصاری می گفتند عیسی فرزند خداست.» همچنین خداوند در قرآن می فرماید: «ذَلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ...»^۸ آن است عیسی پسر مریم گفتار دوستی که در آن شک می کنند و نباشد برای خدا از این که فرزندی اتخاذ کند...»

در این آیه سه نکته آمده است: یکی انتساب عیسی به مادرش مریم که فرزند او است نه فرزند خدا که شما در آن به شک افتادید. تعبیر ذکر نام مادر عیسی در کنار نام او در شانزده مورد از قرآن آمده و نشان می دهد که مسیح همچون سایر افراد انسان در رحم مادر قرار داشت و دوران جنینی را گذراند و همانند سایر افراد بشر متولد شد، شیر خورد و در آغوش مادر پرورش یافت یعنی تمام صفات بشر در او بود.^۹

۱- رساله اول یوحنا، باب ۴، جمله ۷.
۲- انجیل متی، باب ۳، جملات ۷۱ و ۶۱.
۳- همان، باب ۴، جمله ۵-۱.
۴- همان، جملات ۹-۶.
۵- سوره آل عمران، آیه ۱۵.
۶- سید مرتضی حسینی اصفهانی، همان، ج ۱، ص ۴۸.
۷- سوره توبه، آیه ۰۳.
۸- سوره مریم، آیات ۶۳-۴۳.
۹- ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۱۲۲.

دومین نکته اینکه: چنین چیزی متصور نیست و وجود ندارد که خدا انتخاب فرزند کند چون سر از جمعیت خدا در می آورد و همچنین فرزند جزیی از خدا محسوب می شود و خداوند تجزیه بردار نیست و با این که ایجاد فرزند از باب نیاز و فقر است^۱ در حالی که خداوند در قرآن می فرماید: « وَ مَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ^۲ از همه عالمیان بی نیاز است. » و همچنین کسی که دارای فرزند باشد محکوم هزاران قانون و سنت است ولی خداوند متأثر از هیچ مؤثری نیست و خداوند منزّه است که در قالب اجسام و اشیا قرار گیرد به علاوه وجود بچه، محکوم قانون سنت و تدریج است که پس از انعقاد نطفه و زمینه و شرایط مناسب مدت نه ماه طول می کشد تا بچه به دنیا بیاید، ولی قانون ایجاد اشیا نزد خداوند اگر چه در عالم خاکی به صورت تدریج و سلسله مراتب وجودی می باشد ولی در عالم تدبیر هر چیزی را خدا اراده کند به صورت دفعی و در آن واحد بدون گذشت زمان محقق شده و وجود پیدا می کند لذا وجود فرزند برای خدا که محکوم قانون تدریج است با وجود پیدا کردن هر چیزی به اراده خدا در آن واحد هم سازگار نیست.^۳

نکته آخر که حضرت عیسی مسیح به آن تکیه می کند این است که فرمود: همانا الله پروردگار من و پروردگار شماست. و ربوبیت در حقیقت دلالت بر ملکیت دارد که مرحوم طبرسی می گوید: « عیسی گفت خدا مالک من و مالک شماست و این جمله را برای این گفت که دلیلی باشد علیه نصاری که می گفتند مسیح فرزند خداست. و تصریح به مملوک بودن انسان اشاره به این است که با فرزند بودن قابل توجه نیست هر چیزی ملک است فرزند نیست و هر کسی فرزند است ملک نیست.^۴ و عیسی ادامه داد که مرا نسبت فرزندى به خدا ندهید چون من بنده اویم، همانطور که شما بنده اید به علاوه رَبِّى و رَبِّكُمْ تکرار اشاره به وحدانیت و ربوبیت خداست یعنی خدایی که رب من است رب شما و همه عالمیان است. و با این تکرار تصریح به نفی هر گونه شرکی نمود. چون فرزند خدا بودن حکایت از شرک می کند.^۵

با توجه به مطالب فوق مسیحیان قائل به این هستند که حضرت عیسی پسر خداست و اما با توجه به مطالب فوق آیاتی از قرآن کریم فرزند گزیدن خداوند را ناروا دانسته است.

۷- مصلوب ساختن عیسی مسیح علیه السلام

در هر چهار انجیل « مرقس ، متی ، لوقا و یوحنا » چگونگی دستگیری ، محاکمه و به صلیب کشیده شدن عیسی مسیح را با تفاوت هایی جزیی نقل کرده اند ؛ در انجیل مرقس

نورنامه قرآن و حدیث

دوره اول

شماره اول

پاییز و زمستان

۱۶۰

۱- همان .

۲- سوره عنکبوت ، آیه ۶.

۳- سید مرتضی حسینی اصفهانی ، همان ، ص ۶۸.

۴- طبرسی ، تفسیر مجمع البیان ، ج ۲ ، ص ۶۴۴.

۵- سید مرتضی حسینی اصفهانی ، همان ، ص ۶۸.

بدین قرار است: «آنها عیسی را به محلی به نام جل جبا بردند، و به او شرابی دادند که آمیخته به دارویی به نام مَر بود، اما او آن را قبول نکرد، پس او را به صلیب میخ کوب کردند... ساعت نه صبح بود که او را مصلوب کردند...»^۱

این گزارش در انجیل مرقس بود که در سه انجیل متی و لوقا و یوحنا با تفاوت هایی جزیی نقل شده برای نمونه: در انجیل متی آمده است که مسیح اعلام می کند که پس از مصلوب شدن سه شبانه روز در زمین مدفون خواهد ماند همچنان که یونس سه شبانه روز در شکم ماهی خواهد بود. در حالی که انجیل دیگر مدت دفن مسیح را از غروب جمعه تا قبل از سپیده ی یک شنبه یعنی حداکثر یک روز و دو شب می دانند.^۲

همچنین در انجیل متی موقعی که می خواهند ماجرای به دار آویختن عیسی مسیح را شرح دهد می نویسند: «آن دو دزد که با وی مصلوب بودند او را دشنام می دادند.»^۳ اما در انجیل لوقا آمده است که: یکی از آن دو خطاکار مصلوب، بر وی کفر گفت: که اگر تو مسیح هستی خود را و ما را برهان اما آن دیگری جواب داده او را نهیب کرد و گفت: مگر تو از خدا نمی ترسی، چون که تو نیز زیر همین حکمی، لیکن این شخص هیچ کار بیجا نکرده است.^۴

بنابراین مطالب در هر چهار انجیل متی و مرقس و لوقا و یوحنا چگونگی دستگیری و محاکمه و به صلیب کشیده شدن دفن و برخاستن از قبر و صعودش به آسمان را با تفاوت هایی جزیی نقل کرده اند و نتیجه این که مسیحیان معتقدند که عیسی به صلیب کشیده و دفن شد و بعد از سه روز به آسمان رفت.^۵

بنابر آنچه تا کنون در انجیل های فعلی در رابطه با مصلوب شدن عیسی مسیح علیه السلام بیان شد، با این همه قرآن به صراحت مصلوب شدن عیسی مسیح را منکر شده است. و خداوند در آیاتی به رد کشته شدن حضرت عیسی پرداخته، می فرماید: وَ بَكُرْهُمُ وَقَوْلِهِمْ عَلَى مَرْيَمَ بَهْتَانًا عَظِيمًا وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا بَل رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا. و هم بواسطه کفرشان و بهتان بزرگشان به مریم. و هم از این رو که گفتند، ما مسیح عیسی بن مریم رسول خدا را کشتیم، در صورتی که او را نکشتند و نه به دار کشیدند، بلکه امر بر آنها مشتبه شد؛ و همانا آنان که درباره ی او عقاید مختلف اظهار داشتند از روی شک و تردید سخنی گفتند و عالم به او نبودند جز آنکه از پی گمان خود می رفتند؛ و به طور

۱- انجیل مرقس، باب ۵۱ و ۴۱.

۲- انجیل متی، باب ۷۲.

۳- مصطفی زمانی، همان، ص ۹۳۱.

۴- انجیل متی، باب ۸۲، جمله ۲۵.

۵- عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، آشنایی با ادیان ۲ مسیحیت، ص ۲۴.

۶- سوره نساء، آیات ۸۵۱ - ۶۵۱.

یقین مسیح را نکشتند بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد، و پیوسته خدا مقتدر و کارش از روی حکمت است. « و نیز خداوند در آیه ای دیگر می فرماید: « إِذْ قَالَ اللَّهُ يَا عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ اذْهَبْ إِلَى الْيَهُودِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا كَفَرُوا وَإِيَّاكَ وَرَأْفِكَ إِلَى الْيَهُودِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلِ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ. ^۱ به یاد آر وقتی که خدا فرمود: ای عیسی، همانا من روح تو را قبض نموده و به سوی آسمان قرب خود بالا برم و تو را پاک و منزّه از معاشرت و آرایش کافران گردانم و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم، آن گاه بازگشت شما به سوی من خواهد بود، پس به حق حکم کند در آن چه بر سر آن با هم به نزاع برمی خاستید».

ظاهر قرآن دلالت بر این دارد که حضرت عیسی مصلوب نشد و او را نکشتند، بلکه این امر بر دشمنان مشتبه نشد و عیسی مسیح به آسمان برده شد. ^۲ و با توجه به آیه مشخص می شود، یهودیان درباره عیسی مسیح اختلاف کردند و خودشان در شک بودند و هیچ یک به گفته ی خود اطمینان نداشتند و تنها از تخمینشان پیروی می کردند. درباره این که آنها در مورد چه چیزی با هم اختلاف داشتند در میان

مفسران گفتگو است. مفسران احتمال می دهند که این اختلاف مربوط به اصل و موقعیت و مقام عیسی مسیح بوده که جمعی از مسیحیان او را فرزند خدا و بعضی به عکس همانند یهودا او را پیامبر نمی دانستند و همگی در اشتباه بودند و نیز ممکن است اختلاف در چگونگی قتل عیسی مسیح باشد که بعضی مدعی کشتن او بودند و بعضی می گفتند کشته نشده و هیچ یک به گفته ی خود اطمینان نداشتند. یا این که مدعیان قتل عیسی مسیح به خاطر عدم آشنایی به او در شک بودند که آن کس را که کشتند خود مسیح بوده یا دیگری به جای او لکن امر بر آنها مشتبه شده بود. ^۳

با توجه به مطالب در باب مصلوب ساختن حضرت عیسی (ع)، داستان به صلیب کشیدن مسیح (علیه السلام) و زمینه های آن در انجیل ها با تفاوت های بسیار نقل شده است. حتی در جزئیات نیز هر یک به گونه ای ثبت کرده اند. و از آنجا که نویسندگان این انجیلها را مسیحیان، الهام شده و دور از خطا می دانند، بنابراین می بایست در مورد چنین مسأله مهمی هم نوا و همگون باشند و اختلافی نداشته باشند؛ زیرا گزارش های مختلف و ناهم ساز از یک جریان سلب اطمینان می کند و خبر از امین نبودن گزارشگر می دهد. بنابراین مجالی برای باور و تصدیق باقی نمی گذارد. بنابراین واقعیت، آن چیزی که مسیحیان پنداشته اند که حتماً مسیح به دار آویخته و کشته شد نیست؛ بلکه موضوع از نظر خود ایشان نیز از آغاز مشکوک بوده است، هر چند بعدها بر آن اتفاق کرده اند و این بدعتی بوده که از بت پرستان به ارث برده اند. از این رو حقیقت همان است که قرآن به صراحت فرموده - «که باطل از پس و پیش بدان راه ندارد، و وحی خدای حکیم

۱- سوره آل عمران، آیه ۵۵.

۲- سید محمد ادیب آل علی، پرسش ها و پاسخ هایی درباره مسیحیت، ص ۳۳

۳- ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۹۹۱.

و حمید است». (سوره فصلت، آیه ۴۲).

۸- نتیجه

با توجه به مطالب مقاله این نتایج به دست آمد:

برای عیسی مسیح در تورات اجدادی نام برده شده و نسب ایشان را منتهی به زناده اند همچنین در انجیل نیز با توجه به اجدادی که در انجیل متی و لوقا برای ایشان نام برده شده باز هم ایشان را منتهی به زنا دانسته اند ولی در قرآن با ذکر آیاتی به تحلیل و بررسی اجداد عیسی مسیح پرداخته و نسب ایشان را منتهی به نوح ابراهیم و عمران داده اند و در نتیجه ایشان را از هر گونه آلودگی و فساد بری دانستند و همچنین در مورد پدر حضرت که در انجیل چند پدر برای ایشان نام برده شده اما در قرآن به تحلیل و بررسی پرداخته و برای ایشان پدری قائل نمی‌باشند.

و در مورد مصلوب شدن حضرت که انجیل رایی به مصلوب شدن ایشان داده اند و سپس می‌گویند که حضرت صعود به آسمان کرده اند و در قرآن آمده که حضرت عیسی از همان ابتدا به آسمان بالا برده شده اند و سپس همراه حضرت مهدی (عج) در انقلاب جهانی ایشان به زمین رجعت میکنند

در انجیل و همچنین قرآن به پیامبری عیسی مسیح بشارت داده شده است و پیامبری ایشان اعلام شده است.

طبق مطالب بیان شده در انجیل اعمال ناشایستی همچون اهانت به مادر و قطع روابط خانوادگی و تناقض در رفتار و گفتار به حضرت عیسی نسبت داده شده و همچنین نسبت‌های ناروایی چون الوهیت عیسی و فرزند خدا بودن به وی دادند که این اعمال و نسبت‌ها از جانب خداوند مطرود است و با بررسی آیات قرآن در مورد عیسی مسیح به وضوح راستی و درستی آیات الهی و بطلان کتب مقدس تورات و انجیل را می‌توان دریافت و در نتیجه می‌توان گفت که قرآن از منبع وحی الهی سرچشمه گرفته ولی تورات و انجیل فعلی در اکثر موارد دست‌نوشته‌های بشری است که فاقد ارزش و اعتبار می‌باشد.

منابع و مأخذ

۹- فهرست منابع

* قرآن

* کتاب مقدس (تورات و انجیل)

ادیب آل علی، سید محمد (۱۳۸۵)، پرسشها و پاسخ هایی درباره مسیحیت، بی جا، نشر مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.

بی نا (بی تا)، انجیل برنابا، ترجمه حیدر قلی خان سردار کابلی، بی جا.

بی نا، حقیقت مسیحیت، مؤسسه در راه حق، بی جا، چاپ ششم،

توفیقی، حسین (۱۳۷۷)، نگاهی به ادیان زنده ی جهان، چاپ دفتر انتشارات اسلامی نشر مرکز مدیریت حوزه ی علمیه خواهران، چاپ اول.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، تفسیر موضوعی قرآن، تنظیم و ویرایش علی اسلامی، قم، نشر اسراء، چاپ نهم، ج ۷

حسینی، اصفهانی (۱۳۷۷)، سید مرتضی، نگرش وحی بر یهود و مسیحیت در مجموع قرآن، بی جا، انتشارات فرهنگ قرآن، چاپ اول.

رابینسون نیل (بی تا)، عیسی در قرآن، عیسی تاریخی و اسطوره تجسد، ترجمه محمد کاظم شاکر، نشریه هفت آسمان.

زمانی، مصطفی (۱۳۶۹)، به سوی اسلام یا آیین کلیسا، بی جا، انتشارات پیام اسلام چاپ هشتم.

سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم (۱۳۸۱)، آشنایی با ادیان ۲ مسیحیت، بی جا، نشر زلال کوثر، چاپ اول.

صادقی، محمد (۱۳۳۶)، بشارت عهدین، تهران، چاپخانه مصطفوی.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۳)، تفسیر المیزان، ترجمه صالحی کرمانی، بی جا، نشر فرهنگی رجاء، ج ۱۴.

طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن (۱۳۸۰)، تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۲.

قزوینی یزدی، حاج بابا (بی تا)، محضر الشهود فی رد الیهود، یزد، نشریات کتابخانه وزیری.

کارپنتر، هامفری (۱۳۸۸)، کتاب عیسی، ترجمه حسن کامشاد، چاپ واژه، انتشارات طرح نو، چاپ چهارم.

کاشف الغطاء، محمد حسین، پژوهشی درباره انجیل و مسیح، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، بی جا، انتشارات دارالتبلیغ اسلامی، بی تا.

ماسون، دنیز (۱۳۸۵)، قرآن و کتاب مقدس و درون مایه های مشترک، ترجمه فاطمه سادات تهامی، تهران، نشر دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ج ۱.

مبلغی آبادانی، عبدالله (۱۳۷۶)، تاریخ ادیان و مذاهب جهان، بی جا، انتشارات حر، ج ۱ و ۲.

مترجمان (۱۳۷۷)، تفسیر هدایت، مشهد، انتشارات بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، چاپ اول، ج ۱.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ هجری شمسی، ج ۲ و ۴.